

The activities of women in Tabriz and some other regions of Iran during the constitutional revolution based on Anjuman Tabriz newspaper

Mohammad Salmasizadeh¹ | Gholam Ali Pashazadeh² | Majid Rezazad Amoozein-al-dini³

(DOI): [10.22034/MTE.2021.10414.1427](https://doi.org/10.22034/MTE.2021.10414.1427)

Abstract

Original Article

P 117 - 135

Iran's history has been described as male and masculine history, as a result, the constitutional revolution has been depicted and introduced as a male revolution, and the role of women has been neglected, while by referring to various sources including newspapers, one can doubt this dominant view and one can assign an important role to women. The activities and struggles of the women of this region have been reflected in the Tabriz newspaper Anjuman Tabriz, which is considered the organization of the state association of Azerbaijan (Tabriz), and thus many unsaid activities of Iranian women in the constitutional period have been freed from oblivion. The current research aims to answer these questions by referring to Anjuman Tabriz newspaper and some available sources, while examining the role of Muslim women in Tabriz and some other cities of Iran in the constitutional period, relying on a local publication and using a descriptive-analytical method that what role did Iranian women play in the political-social developments during the constitutional period and what did their activities include.

Key words: Constitution, Tabriz Association, Association newspaper, Tabriz women, Iranian women.

1 - Associate Professor, Department of History, University of Tabriz, Iran. msalmasizadeh@tabrizu.ac.ir

2 - Associate Professor, Department of History, University of Tabriz, Iran. gh_pashazadeh@yahoo.com

3 - PhD student of history, University of Tabriz, Iran. majid.rezazad.a@gmail.com

Received: 2021/04/02 | Accepted: 2021/11/23



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

بررسی فعالیت های زنان تبریز و برخی از مناطق ایران در انقلاب مشروطه با تکیه بر روزنامه انجمن تبریز

محمد سلماسی زاده^۱ | غلامعلی پاشا زاده^۲ | مجید رضازاد عموزین الدینی^۳ (نویسنده مسئول)

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/MTE.2021.10414.1427](https://doi.org/10.22034/MTE.2021.10414.1427)

علمی - پژوهشی

ص: ۱۳۵/۱۱۷

چکیده

تاریخ ایران، تاریخی مردسالار توصیف شده است؛ به تبع آن انقلاب مشروطه نیز عمدتاً انقلابی مردانه تصویر و معرفی شده و نقش زنان مورد غفلت واقع گردیده است. در حالیکه با مراجعه به منابع مختلف از جمله روزنامه های منتشر شده در آن ایام، می توان در این دیدگاه غالب تردید کرد و برای زنان هم نقش مهمی قایل شد. فعالیت و تکاپوی زنان این خطه در روزنامه انجمن تبریز که ارگان انجمن ابالتی آذربایجان (تبریز) محسوب می گردید، بازتاب های مختلفی داشته و بدین وسیله ناگفته های زیادی از فعالیت های زنان ایران در دوره مشروطه از گزند فراموشی رهایی یافته است. پژوهش حاضر بر آنست که با استناد به روزنامه انجمن تبریز و برخی منابع موجود، ضمن بررسی نقش زنان مسلمان تبریز و برخی شهرهای دیگر ایران در دوره مشروطه با تکیه بر یک نشریه محلی و با روش توصیفی-تحلیلی، به این پرسش ها پاسخ دهد که زنان ایران در دوره مشروطه چه نقشی در تحولات سیاسی-اجتماعی ایفا نمودند و فعالیت های آنان شامل چه مواردی بوده است.

واژگان کلیدی: مشروطه، انجمن تبریز، روزنامه انجمن، زنان تبریز، زنان ایران.

^۱ - دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز، ایران. msalmasizadeh@tabrizu.ac.ir

^۲ - دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز، ایران. gh_pashazadeh@yahoo.com

^۳ - دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تبریز، ایران. majid.rezadad.a@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۶



مقدمه:

نهضت مشروطه (۱۳۲۷-۱۳۲۴ هـ ق) باعث ایجاد تغییرات اساسی در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، مردم ایران گردید. زنان ایران همپای مردان، در وقایع و رویدادهای مختلف این دوران مهم از تاریخ ایران، نقش تاثیرگذاری برعهده گرفتند. آنان ضمن پرستاری و مداوای زخمیان، برای مجاهدان غذا می‌پختند، لباس می‌دوختند و از سنگری به سنگر دیگر خبر و مهمات می‌رساندند. بانوانی نیز بودند که مجاهدان را کمک مالی می‌نمودند، علاوه بر این گروهی از زنان نیز مانند مردان در سنگرها می‌جنگیدند و بی‌محابا از کشتن و کشته شدن هراسی به دل راه نمی‌دادند، آنها غالباً لباس مردانه به تن می‌کردند تا شناخته نشوند.

از میان نشریاتی که در روشنگری سیاسی و اجتماعی دوران مشروطه، نقش مهمی ایفا نموده، می‌توان به روزنامه انجمن تبریز اشاره کرد. روزنامه انجمن، ارگان انجمن ایالتی آذربایجان (تبریز) محسوب می‌شد. «انجمن ایالتی آذربایجان» در مقابله با استبداد و استعمار، بعد از کودتای محمدعلی شاه (۱۳۲۷-۱۳۲۴ هـ ق)، نقش تعیین کننده در حیات سیاسی ایران بر عهده داشت. روزنامه انجمن، نخستین نشریه‌ای است که بعد از اعلام مشروطه در تبریز، برای نشر اقدامات انجمن ایالتی و پیش آمدهای آذربایجان منتشر شد. این روزنامه در حقیقت زبان انجمن تبریز و مردم آذربایجان و به یک اعتبار سراسر ایران بشمار می‌رفت و نوشته‌های آن شاهد این مدعا است. در منابع تاریخی ایران، متأسفانه به نقش زنان کمتر پرداخته شده و به عبارتی تاریخ ایران در حالت غالب آن، مردانه بوده، گویا با تغییر اوضاع و احوال زمانه و انتشار این روزنامه تا حدودی (هر چند اندک) در این شیوه و سنت تغییراتی ایجاد شده است، چراکه این روزنامه به اهمیت نقش زنان در وقایع گوناگون اجتماعی و منازعات دوران مشروطیت اشاراتی داشته، این اشارات هر چند کوتاه، اما در نوع خود بسیار جالب و قابل تأمل هستند.

لازم به ذکر است که تاکنون در مورد سهم زنان ایران در انقلاب مشروطه، و فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و شرکت در مبارزات میدانی دوران مشروطه، جسته و گریخته مطالبی در برخی کتابها و مقالات پژوهشی آمده است، اما در این پژوهش‌ها، روزنامه انجمن تبریز کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در مورد پیشینه پژوهش می‌توان به مقاله «نشانه‌هایی از بیداری و نقش زن در نهضت مشروطیت از خلال روزنامه انجمن» نوشته سیروس برادران شکوهی اشاره نمود. در این مقاله بصورت گذرا به نشانه‌هایی از نقش زنان در نهضت مشروطه و بیشتر از جنبه سیاسی و با محوریت زنان شهر تبریز پرداخته شده است. از این رو در پژوهش حاضر علاوه بر جنبه مذکور، سعی در پرداختن کامل تر

و همه جانبه تر به « نشریه انجمن تبریز» و همچنین فعالیت های گوناگون (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) زنان تبریز و سایر نقاط ایران با تکیه بر این روزنامه مورد نظر بوده است. به عبارت دقیق تر، پرداختن به فعالیت های زنان مناطق مختلف ایران در دوره مشروطه با استناد به روزنامه انجمن تبریز، تاکنون کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته، از این رو این مقاله در جهت رفع این خلاء به نگارش در آمده است.

تشکیل انجمن ایالتی آذربایجان و انتشار روزنامه انجمن تبریز

مظفرالدین شاه (۱۳۲۴-۱۳۱۳ ه.ق) در هشتم شعبان ۱۳۲۴/چهارم مهر ۱۲۸۵ ش. به برگزاری انتخابات در آذربایجان تن داد. آزادی خواهان تبریز برای آن که بر کار انتخابات نظارت کنند، نهادی به نام «مجلس ملی» به وجود آوردند. فرقه اجتماعیون عامیون تبریز (مرکز غیبی) ^۱ در تأسیس آن دست داشت و چند تن از گردانندگان فرقه عضو مجلس بودند. سپس «مجلس ملی» تبریز، خود را «انجمن ملی» نامید و سرانجام «انجمن ایالتی آذربایجان» خوانده شد. (یزدانی، ۱۳۸۸، ص ۵۴) بعد از پایان انتخابات، محمدعلی میرزا که از قدرت مردم در هراس بود، خواستار تعطیلی آن شد. استدلال وی آن بود که انجمن به منظور نظارت در امر انتخابات بوجود آمده و اینک که انتخابات انجام گرفته، علت پیدایش انجمن از بین رفته است و وجودش از آن پس مغل آراش خواهد بود و باید تعطیل شود. (انجمن {روزنامه ملی}، س ۱، ش ۵، هیجدهم رمضان ۱۳۲۴، ص ۲؛ کسروی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۴) عده ای از اعضاء هیات مدیره درصدد تعطیل کردن آن برآمدند، ولی مرکز غیبی تبریز که با چشم باز جریانها را زیر نظر داشت، پیامی به هیات مدیره فرستاد و آنها نیز بکار خود ادامه

۱- ایرانیان مهاجر و مقیم در منطقه باکو و قفقاز با همکاری حزب سوسیال دموکرات روس در تأسیس حزب در ایران پیشگام شدند، این نهاد مدرن که در ایران به فرقه (حزب) اجتماعیون عامیون مشهور شد، به رغم فعالیت هایی که داشت یکی از ناشناخته ترین احزاب سیاسی ایران باقی مانده است. این حزب در برخی شهرهای ایران شعبه داشت و در تبریز نیز کسانی مانند علی مسیو و حاج علی دوا فروش و حاج رسول صدقیانی... پس از تشکیل فرقه در تبریز «مجلس خصوصی» برای اداره آن تعیین کردند که «مرکز غیبی» نام گرفت. این نام چنان آوازه ای یافت که تبریزی ها به جای اسم بردن از اجتماعیون عامیون، آن را مرکز غیبی می گفتند. (یزدانی، ۱۳۸۸، ص ۴۹) به اعتقاد یزدانی «اجتماعیون ارتباط مشخصی با حزب سوسیال دموکرات روسیه نداشتند، در تنظیم برنامه و نظامنامه خود نیز تحت تأثیر آن نبودند. اندیشه حاکم بر اجتماعیون هم کاملاً سوسیالیستی نبود. (یزدانی، ۱۳۹۲، ص ۸) اجتماعیون عامیون از طرفداران تعلیم دختران در مدارس به شیوه جدید نیز بودند. (حکمت، س ۱۵، ش ۸۸۲، پانزده صفر ۱۳۲۵، ص ۱۰)

در مورد اطلاق عنوان فرقه به اجتماعیون عامیون به نظر می رسد که در آن دوره مفاهیم جدیدی که از قفقاز و اروپا به جامعه سنتی ایران دوره قاجار وارد می شد، برای آن مفاهیم از واژه هایی استفاده می شد که در جامعه ایران و در بین مردم کاربرد داشته و چون حزب به معنی جدید آن یک واژه مدرنی بود که از اروپا وارد ایران شده بود، از این رو در ترجمه آن از واژه قدیمی فرقه که در طول تاریخ در جامعه ایران کاربرد داشته و برای مردم کلمه آشنایی بود، استفاده شده است.

دادند. (کسروی، ۱۳۸۱، صص ۱۷۵-۱۷۶) این پایداری در برابر محمدعلی میرزا، بر حیثیت و اعتبار انجمن افزود و این سازمان مبدل به يك مرکز مقتدر انقلابي در برابر ولیعهد شد. انجمن نه تنها تن به انحلال نداد، بلکه در صدد توسعه دادن و استوار ساختن مجاهدان تبریز برآمد. (نامور، ۱۳۵۷، ص ۱۰۳).

در تاریخ مشروطه ایران در این زمینه آمده است: «این ایستادگی در برابر محمدعلی میرزا و نگهداری از انجمن نتیجه آن را داد که رشته کارهای همه آذربایجان بدست آزادیخواهان افتاد و محمدعلی میرزا سپر انداخت و ناگزیر شد به کارشکنی های پنهانی پردازد». (کسروی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۶) این چنین بود که انجمن پس از پایان گرفتن انتخابات به کار خود ادامه داد و دایرة وظایف خود را چنان گسترد که: «در همه امور دولتی و مملکتی» به دخالت پرداخت. (نظام السلطنه مافی، ۱۳۶۱، باب دوم و سوم، ص ۴۰۴) خدمات انجمن ایالتی آذربایجان در به ثمر رسیدن نهضت مشروطه بسیار تأثیرگذار و مهم بود. «در واقع انجمن مذکور مدت ها هسته مرکزی سیاست ایران بشمار آمده و در مقابل فشارهای حکومت خودکامه سخت ایستادگی می نمود و در مدت یازده ماه محاصره؛ تبریز تنها شهری بود که هنوز مشروطیت را حفظ و با رشادت غیرقابل وصفی در نگهداری آزادی پافشاری نمود و توجه ملل دنیا را بخود جلب کرده [بود]... انجمن ملی تبریز یگانه محل شور و تمرکز قوای فکری و (طراح) نقشه های عاقلانه... به کلیه آزادیخواهان ایران بود». (طاهر زاده بهزاد، ۱۳۶۳، صص ۱۵۱-۱۵۰)

ویژگی منحصر بفرد مشروطه خواهی در آذربایجان در این بود که از همان آغاز شکل گیری آن تمام درخواستها و مطالبات فعالان حرکت، در قالب يك مجموعه به هم پیوسته و منسجم که تمام عوامل و عناصر جامعه را دربر می گرفت، تکوین یافت و این مطالبات از يك مجرای واحد هدایت و راهبري گردید. این مجموعه منسجم، «انجمن تبریز» بود. (عزیزی، ۱۳۸۵، ص ۱۰) نمایندگان اصناف بازار و نمایندگان محلات مختلف در جلسات و گردهمایی های انجمن شرکت می کردند و درباره نیازها و خواسته های اهالی سخن می گفتند. (تقی زاده و شوکت، ۱۳۹۴، ص ۱۳۰)

یکی از اقدامات مهم که از سوی انجمن ایالتی آذربایجان انجام گرفت، انتشار روزنامه انجمن تبریز بود. این روزنامه، که شماره نخست آن در آغاز رمضان سال ۱۳۲۴ ه ق منتشر شد، ابتدا تا چندی «روزنامه ملی» و بعد «جریده ملی» نام داشت. انجمن ملی تبریز بر این روزنامه نظارت و سرپرستی داشت. (آرین پور، ۱۳۷۵، ج ۲، صص ۲۳-۲۲) روزنامه ملی نخستین نشریه ای بود که پس از انقلاب و اعلام مشروطیت در تبریز چاپ شده است. (براون، ۱۳۸۶، صص ۵۸۱-۵۸۰) ارگان انجمن از شماره دهم تا سی و هفتم «جریده ملی» نام گرفت و پس از شماره ۳۸ تا آخرین شماره که

مورخ نهم جمادی الاول ۱۳۲۷/۲۹ مه ۱۹۰۹ است. با نام «انجمن» منتشر شد. این نام، نامی است که روزنامه بدان شهرت یافته است. (پروین، ۱۳۷۹، ج ۲، صص ۵۸۱-۵۸۰) نخستین مدیر روزنامه «انجمن» میرزا علی اکبرخان بود که تا شماره ۱۱۰ سال نخست (سوم جمادی الثاني ۱۳۲۵) این سمت را برعهده داشت. اما در جمادی الثاني ۱۳۲۵، به بهانه انتشار نامه‌ای در روزنامه (انجمن س ۱، ش ۱۱۰، سوم جمادی الثاني ۱۳۲۵، ص ۴) که برخی اعضای انجمن ایالتی آنرا «توهین و استخفاف دانستند» (انجمن س ۱، ش ۱۱۱، یازدهم جمادی الثاني ۱۳۲۵، ص ۱) از مدیریت روزنامه برکنار گردیده و بجای وی هیئتی سه نفری با مسئولیت مشترک عهده‌دار کار روزنامه شد. در چهارم صفر ۱۳۲۶، اولین شماره دوره دوم از سال دوم با مدیریت آقا محمد آقا معین‌التجار منتشر شد. اما در ادامه و با چاپ ۳۲ شماره، «انجمن» در پی رویدادهای هولناکی که در تهران و آذربایجان می‌گذشت، از انتشار بازماند. نخستین شماره سال سوم در ۲۸ رجب ۱۳۲۶ انتشار یافت و در آن شماره به «واقعات الم افزای تبریز در ظرف این دو ماه که از تصویر آن قلم استعفای تصور می‌نماید...» اشاره شد. (انجمن، س ۳، ش ۱، ۲۸ رجب ۱۳۲۶، ص ۱) ولی از علت خاموشی روزنامه سخنی به میان نیامده است. در شماره بعدی، تنها از آنکه «مطبعة سربی مخصوص که می‌بایست روزنامه انجمن در آن طبع شود... طعمه غارت و چپاول سواران و اشرار اردوی رحیم‌خان و شجاع نظام گشته» سخن به میان آمده است. (انجمن، س ۳، اول شعبان ۱۳۲۶، ص ۴) از سال سوم روزنامه، تا نهم جمادی الاول ۱۳۲۷/۲۹ مه ۱۹۰۹، چهل و شش شماره نشر گردید.

لازم به ذکر است که پرداختن به مسائل زنان در نشریات فارسی زبان برون مرزی، زمینه‌هایی فراهم ساخت تا هم زمان با انتشار جراید مشروطه طلب و در سال‌های ۱۳۲۴ هـ ق/ ۱۲۸۵ ش به بعد نشریات فارسی زبان درون مرزی نیز نسبت به مسائل زنان از خود دغدغه نشان دهند. در این میان برخی نشریات مانند صوراسرافیل، مساوات، ایران نو، تمدن، ندای وطن، مجلس، حبل‌المتین (چاپ تهران) و خورشید علاوه بر انتشار برخی مکتوبات زنان به مسائل مربوط به زنان از نگاه خود نیز می‌پرداختند. (باغدار دلگشا، ۱۴۰۰، ص ۱۲) روزنامه انجمن تبریز نیز که در این پژوهش همه شمارگان موجود آن در رابطه با زنان مورد بررسی قرار گرفته، همچون آن نشریات، در برخی صفحات خود بصورت جسته و گریخته مطالبی راجع به فعالیت‌های زنان انتشار می‌داد که هرچند نسبت به شمارگان موجود این نشریه، پرداختن به مسأله زنان در قیاس با سایر مسائل سیاسی-اجتماعی آن دوره بسیار اندک به نظر می‌رسد، زیرا تقریباً در ۱۰ یا ۱۱ شماره از کل شماره‌های موجود این نشریه آن هم بصورت جسته و گریخته مطالبی در ارتباط با فعالیت‌های زنان ایران ذکر گردیده است. ولی با توجه به

کمبود اطلاعات و منابع راجع زنان در دوره قاجار، باید اذعان نمود که همین مقدار کم نیز به نوبه خود در مواردی بسیار قابل استفاده بوده و اطلاعات مفیدی راجع به مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زنان ایران در این دوره در اختیار ما قرار می دهد. به نظر می رسد یکی از اهداف مهم دست اندر کاران این نشریه از پرداختن به مسأله زنان، تحریک و تشویق افکار عمومی جامعه در مبارزه برعلیه استبداد محمدعلی شاهی بوده است. لازم به ذکر است که در برخی از نشریات آن دوره همچون «ایران نو» پرداختن به مسأله زنان ایران در قیاس با روزنامه انجمن تبریز بسیار پررنگ تر بوده است که پرداختن به این موضوع و مقایسه توجه به مسائل زنان در میان نشریات آن دوره ایران، خود نیازمند پژوهشی مستقل است.

انعکاس فعالیت های اقتصادی - اجتماعی زنان عصر مشروطه در روزنامه انجمن

در تحولات عصر مشروطه، زنان مناطق مختلف ایران، برای ایجاد تحول در جامعه ایرانی و مبارزه با ناعدالتی ها پا به میدان مبارزه نهادند و با استفاده از فرصت های به دست آمده، سکوت دیرین خود را شکسته و فعالانه وارد صحنه سیاسی - اجتماعی کشور شدند. برای مثال زنان قریه ابراهیم آباد قم تلگراف تظلم آمیزی به انجمن تبریز فرستادند که این تظلم نامه در روزنامه انجمن تبریز منتشر گردید، و بدین ترتیب زنان این خطه از کشور نیز توانستند اعتراض خود را از عملکرد حاکمان در دوره قاجار به گوش همگان برسانند و در مسائل اجتماعی به ایفای نقش پرداخته و به یاری همسران مظلوم خود بشتابند. در مورد شرح این مکتوب در روزنامه انجمن تبریز چنین آمده است... «... تلگراف تظلم چند نفر از نسوان قریه ابراهیم آباد من محال عراق از قم رسیده بود در مجلس [انجمن ملی تبریز] قرائت شده موجب تأسف حضار گردید، تلگراف برای اطمینان و آسودگی خاطر متظلمین بخودشان مخابره نمودند که ذیلاً عین هر دو تلگراف ثبت می شود و قرار شد عرض تظلم آنها را در مجلس فردا توسط وکلا محترم آذربایجان بدارالشورای کبری با عین تلگراف آنها اظهار داشته تکلیف بخواهند» سپس متن تلگراف زنان ابراهیم آباد قم عیناً چنین آورده شده است:

«سواد تلگراف قم... حضور مهر ظهور مجلس مقدس شورای ملی، عرض این کمینه های ابراهیم آباد محال عراق این است که ... حاجی آقا محسن ... جمعیت فرستاده چهارده نفر از مردهای این کمینه ها به ضرب گلوله مقتول و اموال بغارت [رفته]، هفده نفر تیرخورده مشرف بموت، باقی در حبس [هستند]، فراراً پای پیاده این زنهای بچه دار گرسنه و برهنه خود را به قم رسانیده در پناه حضرت

معصومه علیهما السلام، هر چه عرض به دولت و ملت شده جواب نمی‌دهند...». (انجمن، سال اول، ش ۷۴، یکشنبه ۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۲۵، ص ۲) روزنامه انجمن سپس جواب انجمن ملی تبریز را به تلگراف زنان ابراهیم آباد قم به شرح زیر درج نموده است: «... تلگراف متظلمانه شما رسید بجهت تصفیه و اصلاح امورات شما تلگرافی مبسوط بدارالشورای کبری ملی مخابره خواهد شد. موجبات مرضات خاطر و آسودگی شما را بزودی فراهم خواهد فرمود. (انجمن، ش ۷۴، همان، ص ۲)

اینکه تظلم زنان ناحیه‌ی مرکزی ایران (قم)، نه در تهران و روزنامه‌های پایتخت، بلکه در تبریز و در نهایت در «روزنامه انجمن تبریز» انعکاس یافته، خود می‌تواند نشان از اهمیت تکاپوهای زنان ایرانی در دوره مذکور باشد. روزنامه انجمن در یکی از شماره‌های خود، مطالبی در مورد آمادگی زنان تهران، در جهت یاری رساندن به اقتصاد نابسامان کشور با فروش زینت آلات و طلاجات خود در جهت تأسیس بانک ملی درج کرده است که انعکاس این نوع فعالیت‌های زنان پایتخت، در این نشریه، بیانگر حضور پررنگ زن ایرانی در تحولات و اعتراضات عصر مشروطه بوده و آغازگر عصر جدیدی در فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی زنان این مرز و بوم محسوب می‌گردد. همچنانکه در صفحات نشریه انجمن انعکاس یافته است، قرض‌خواهی از روس و انگلیس با اعتراض شدید و ممانعت زنان ایران مواجه گشت. شرح خبر مذکور در این نشریه چنین آمده است: «امنای دولت ایران.. می‌خواستند مبلغ چهارصد هزار لیره از دولتین انگلیس و روس قرض نموده و در ضمن این قرض جدید امتیازات باقی مانده ایران را بدست این دو رقیب بزرگ داده، رشته حیات ایرانیان به کلی به چنگ اجانب افتاده، پریشانی و ذللی اهلای ایران زیاده گشته، وقایع مصر و اسکندریه و منچوری در وطن عزیز ما ظاهر شود... ملت غیور ایران به ملاحظه این که محلی برای ادای این قرضه جدید در نظر نیست و این قرض باعث زیادی ذلت و پریشان ایران و ایرانیان شده، ملت را در خاک مذلت نشاندۀ انتظام مملکت را بدست اجانب خواهد سپرد، بلا تأمل به هیجان آمدند و در طهران در منابر و مساجد مردان و بیوه‌زنان به فریاد آمده اظهار کردند که ما لباس، فرش و مخلفات خود را فروخته بلاعوض به دولت داده راضی نخواهیم شد که دوباره از خارجه قرض کنند و جمعیت زیاد از عموم طبقات به مجلس مقدس شورای ملی در طهران جمع شده معایب و مفاسد قرضه جدید را از خارجه شمرده و فواید تأسیس و تشکیل يك بانک ملی را اظهار نموده‌اند... (جریده ملی [روزنامه انجمن تبریز]، س ۱، ش ۱۳، ۱۵ شوال ۱۳۲۴، ص ۱)

گفتنی است که نمایندگان مجلس شورای ملی ایران در نشست تاریخ نهم ذی‌قعدة ۱۳۲۴ ه.ق ضمن مخالفت با دریافت قرضه خارجی، رای به تأسیس بانک ملی با اتکا به سرمایه مالی مردم می‌دهند. با پخش خبر تصمیم‌گیری مجلس درباره تأسیس بانک ملی، مردم نیز صمیمانه به مساعدت

برخاستند؛ به طوری که بلافاصله برای وصول نقدینه های آنان اماکنی در نظر گرفته شد. در این زمینه، زنان نیز با فداکاری، جهت تهیه سرمایه مورد نظر بانک، از فروختن گوسواره و گردنبند و دیگر جواهرات تزئینی خود دریغ نکردند. (دلریش، ۱۳۷۵، ص ۱۷۶) به نوشته کسروی، روزی در پای منبر سیدجمال واعظ، در یکی از مساجد تهران، زنی به پا می خیزد و می گوید: «دولت ایران چرا از خارجه قرض می کند. مگر ما مرده ایم من یک زن رخت شوری هستیم، به سهم خود یک تومان می دهیم. دیگر زنان نیز حاضرند» به نوشته مولف «تاریخ مشروطه ایران» در آندوره از اینگونه نمایش ها بسیار اتفاق می افتاد. (کسروی، ۱۳۸۱، صص ۱۸۲-۱۸۱) روزنامه مجلس در این باره می نویسد: «بیوه زنان کشور ما، گوسواره و دستبند خود را برای ادای قرض دولت و تأسیس بانک داخله حاضر کرده و هر یک می خواهند که در این باب بر دیگری سبقت گیرند... (ناهدید، ۱۳۶۰، ص ۷۵)

آزاده زنی از قزوین، زینت آلات خود را به مجلس شورای ملی می فرستد و از نمایندگان مجلس می خواهد آنها را فروخته و پولش را صرف تأسیس بانک ملی کنند. روزنامه انجمن تبریز به عنوان نشریه ای که فعالیت های سیاسی زنان ایران را رصد می نموده، نامه شورانگیز این بانوی قزوینی را در شماره ۵۹ خود به نقل از «روزنامه مجلس» درج می نماید که این خود می تواند ناشی از توجه و اهمیت دادن این نشریه به فعالیت های زنان در عرصه مشروطه خواهی ایرانیان باشد. در اینجا تلخیصی از این نامه به نقل از روزنامه انجمن آورده می شود: «حضور مبارک پدر مهربان ملت ایران، حضرت آقای سعدالدوله دامت شوکه... همه کس دسترس به طهران ندارد که بتواند به اندازه استطاعت سند سهام بانک را دریافت نماید و این کمیته مقدار ناقابل از زیورآلات خود را که برای ایام سخت ذخیره کرده بودم، فقط برای افتخار به جهت بانک ملی فرستادم. از حضور عالی عاجزانه استدعا دارد که هدیه مختصر کمیته را با نظر بلند خودتان دیده، بفرمائید اشیاء مرسوله را اعضا محترم بانک ملی به امانت و شرافت خودشان فروخته و هرچه قیمت آنها شد، سند سهام بانک برای کمیته روانه فرمایند. چه کنم که زیاده از این قادر نبودم. مگر آنکه جان خود را در موقع فدای ترقی وطن عزیز بنمایم. امضای کمیته در خدمت شما در دفتر بانک محفوظ باشد. زنی هم از همسایگان کمیته همت و غیرت نموده با آنکه شوهر ندارد و یک پسر صغیر دارد، این بیچاره هم پول نقد نداشت، سه فقره اسباب که در صورت، علیحده ثبت شده، به توسط کمیته تقدیم حضور مبارک نموده که آنها را هم فروخته، سند سهام بانک ملی به اسم صغیر مشارالیهها مرحمت فرمائید. استدعا دارد کمیته را از قبول اینها و تسلیم به بانک ملی قرین شرف و افتخار بزرگ فرمائید...» (انجمن، س ۱، ش ۵۹، سه شنبه ۱۱ صفر ۱۳۲۵، ص ۳) در این زمینه مکتوبی نیز از یکی از آزادیخواهان انزلی به دفتر انجمن می رسد که ضمن قدردانی از زحمات

و تلاش های زن ایرانی، اظهار امیدواری کرده بود که با چنین حرکتی که زنان ایرانی آغاز نموده اند، به خواست خداوند ملت ایران خرابی های هزارساله را آباد خواهند کرد. (انجمن، س ۱، ش ۳۸، ۱۸ ذیحجه ۱۳۲۴، ص ۳)

گفتنی است که بعد از به توپ بسته شدن مجلس و آغاز مقاومت مردم تبریز که این شهر گرفتار خشم مستبدین گشته و گرسنگی و قحطی بر شهر چیره شده بود، بودند زنانی از تهران و سایر نقاط ایران که به فکر حال و روز سخت مردم این شهر افتاده بودند و در حد توان خود می خواستند، کمکی به مردم این شهر مقاوم و مبارز نمایند. شرح یکی از این یاری ها زیر در روزنامه انجمن به تصویر کشیده شده و جاودانه مانده است: «مدیر روزنامه اتفاق در باکو کاغذی از یکنفر مخدرات طهران گرفته است که مشارالیها دویست منات به اداره مذکور فرستاده و خواهش کرده که به انجمن ایالتی آذربایجان برسانند و می نویسد که از ته دل گریه می کنم بحال زار آذربایجانیان و می خواستم کمکی به آنها بکنم لهذا فروختم تمامی اسباب زیب و زینت خود را به قیمت ارزان و جمع کردم دویست منات. فقط نمی دانستم به کدامین وسیله آنها را به تبریز برسانم، چون اداره پست قبول نمی کرد و سهل است اگر می دانستند که چرا این پول را می فرستم مرا می کشتند، بعد از فکر و خیال چاره نیافتم مگر اینکه آنها را به توسط اداره شما بفرستم. امضاء: مشروطه طلب، امنیه وجه مذکور را اداره (اتفاق) به کمیسیون اعانه ایرانیان (باکو) تسلیم کرده و قبض گرفته». (انجمن، س ۳، ش ۴۲، صفر ۱۳۲۷، ص ۲)

انعکاس فعالیت های سیاسی زنان عصر مشروطه در روزنامه انجمن

روزنامه انجمن تبریز با توجه به اهمیتی که برای فعالیت های سیاسی - اجتماعی زنان قائل می شد، خبر تشکیل انجمن زنان^۱ را نیز در نشریه خود انعکاس داده و می نویسد: «(اطلاع) از قرار معلوم گویا خواتین مکرمه تبریز مجلس و مجمعی قرار گذاشته اند که در ایام هفته جمع شده در باب

۱ - نخستین انجمن زنان کشور در تبریز تشکیل شده است. این انجمن در دوران مشروطه توسط بانو «صاحب سلطان خانم» همسر «شرف الدوله» (نماینده دوره یکم مجلس شورای ملی از شهر تبریز) بر پا گردیده است. مادر این خانم حاجی «رقیه سلطان خانم» از زنان سرشناس و متخصص تبریز بود. صاحب سلطان خانم علاوه بر خواندن دارای خط و ربط نیز بود و چندین دستخط نیز از او باقی است و گویا اندکی روسی هم می دانسته است. این مادر و دختر در روزهایی که شور میهن دوستی و ترقی خواهی و آزادی طلبی در میان تبریزیان بالا گرفته بود، تصمیم می گیرند که آنان نیز حرکتی در میان زنان تبریز به وجود آورده آنان را از انزوا گزینی و خانه نشینی باز داشته و تحریض به سادگی و خرید کالاهای وطنی و کمک به اقتصاد مملکت و این گونه مسائل نمایند. لذا نخستین «انجمن زنان» را در ایران در شهر تبریز بنیاد نهادند. (ذکاء، ۱۳۷۷، صص ۴۲-۴۱)

ترتیبات لباس خودشان و غیره صحبت کرده حتی المقدور سعی نمایند بلکه کم تر خود و صاحبشان را محتاج متاع و منسوجات خارجه کرده از ثروت خودشان نگاهند و در صورت امکان مدتی به همان البسه قدیم که دارند قناعت کرده و به سر برند تا بلکه به فضل خداوندی و همت مردمان غیور فابریکها در مملکت ایران تشکیل یابد که از احتیاج خارجه به کلی بی نیاز شوند». (انجمن، س ۱، ش ۴۱، ۲۵ ذی الحجه، ۱۳۲۴، ص ۴) معلوم نیست انجمن زنان با آن اوضاع نابسامان تبریز و تحولات و تغییرات شدیدی که هر روز به وجود می آمد و شهر دست به دست می گشت و غارت های رحیم خان و کشتارهای صمدخان در این شهر، تا چه مدت دوام داشته و تا چه اندازه در پیش برد اهدافش موفق بوده است. افتخار بنیاد نهادن نخستین انجمن زنان در ایران به نام دو بانوی ایرانی یعنی «صاحب سلطان خانم و رقیه سلطان خانم {علویه خانم}»^۱ ثبت شده است. (ذکاء، همان، صص ۴۱-۴۲)

روزنامه انجمن در عین حال خشونت هایی را که در جامعه با سوء استفاده از نام انجمن تبریز بر علیه زنان اعمال می شده، محکوم کرده و به دفاع از حقوق زنان بر می خیزد: «بعضی مفسدین، انجمن ملی را عنوان و دست آویز کرده می خواهند اغراض نفسانی خودشان را ظاهر نموده حرکات وحشیانه سابق را مرتکب گشته و نسبت آن را به انجمن بدهند. من جمله جمعی از مغرضین در کوچه و بازار به طایفه نسوان جهت پوشیدن چادر شب مادام، و کفش قوندارا^۲ ممانعت نموده متعرض می شوند یا این که به پاره ای تهمت ها و اسمهای ناشایست به زنان مسلمان اذیت و آزار می کنند و بعضی هم به مردم جهت پوشیدن بعضی لباسها اعتراض نموده دشنام و بد می گویند اینها همه حرکت وحشیانه مغرضانه است و آقایان علما و انجمن ملی ابداً از اینگونه حرکات ناشایست خبری ندارند و هیچوقت اینطور حکم وحشیانه از انجمن ملی نمی شود. همین می خواهند که مردم را به پوشیدن ملبوسات وطن ترغیب و تحریض نمایند. که مال وطن از پوشیدن مال خارجه بهتر است». (جریده ملی [انجمن تبریز]، س ۱، ش ۱۱، ۹ شوال ۱۳۲۴، ص ۱)

صفحات روزنامه انجمن تبریز از یکطرف بازگو کننده ی زندگی محنت آلود زن ایرانی و مصائب

۱ — مولف کتاب «تاریخ خانمها» به نقل از روزنامه «عدالت» محل تشکیل این انجمن را در خانه «حاجی علویه» آورده و در این زمینه می نویسد: در ۱۷ محرم ۱۳۲۵ قمری روزنامه عدالت نوشته که حاجی علویه خانم از زنان مبهن پرست تبریز در توجیه تحریم کالای غربی از طرف زنان تبریز می گوید: اولاً منابع خارجی کسادی پیدا می کند و نقدینه ما به کیسه اجلب نمی رود. ثانیاً در مخارج اهل مملکت تفاوت کلی حاصل می شود. مجلس شور و تبادل افکار زنان تبریز بیشتر در خانه حاجی علویه تشکیل می شده است. (حجازی، ۱۳۹۲، ص ۳۲۳) گفتنی است که یحیی ذکاء، نام همسر حاجی میرزا علی (علویه خانم) را «رقیه سلطان خانم» نوشته است. (ناهدی آذر، ۱۳۹۲، ص ۹۲)

۲ - نوعی کفش چرمی.

او است و از طرف دیگر تلاشها و ایثارگریهای او را در مبارزه علیه استعمار و استبداد منعکس ساخت و این نکته را گوشزد کرد که در جراید وقت آنچنان که باید و شاید به مقام و موقعیت زن ایرانی توجهی نشده است. در این باره روزنامه انجمن می‌نویسد: «شیرزنان تبریز را در این دوره انقلاب موقع مخصوصی است که تاکنون در اوراق ملی موضوع بحث نگردیده» و در عین حال به توجه خبرنگاران جراید اروپا اشاره کرده که بارها «غیرت و دلیری» زنان آذربایجان زمینه مقالاتشان بود و اخبار مربوط به آنها بخش مهمی از مندرجات روزنامه‌های معتبر خارج را تشکیل داده است. (انجمن، س ۳، ش ۴۱، ۱۷ صفر ۱۳۲۷، ص ۳) روزنامه در واقع اهمیت نقش زنان را در وقایع گوناگون اجتماعی یادآوری می‌کند که چگونه زنان مسلمان ایران در نهضت تنباکو رهبری تظاهرات خیابانی را در بعضی نقاط به عهده داشتند و همچنان که در تظاهرات برای تصویب متمم قانون اساسی، در تهران زنان با چادر به مجلس رفتند در تبریز نیز با بچه‌های شیرخوار در تحصنات فعالانه شرکت نمودند. (رفیعی، ۱۳۶۲، ص ۱۱۸؛ انجمن، س ۱، ش ۸۷، یکشنبه ۱۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵، ص ۳-۲) در این دوره چند تن از زنان ایرانی که در استانبول اقامت داشتند، تشکلی با عنوان «کمیته نسوان ایرانی» تشکیل دادند. این کمیته به واقع، سازمان زنان «انجمن سعادت ایرانیان» بود، که خود را ادامه دهنده انجمن تبریز می‌دانست و در زمینه ارسال کمک‌های مالی و اسلحه... برای مبارزان تبریز فعالیت می‌کرد. (حکمت، س ۱۷، ش ۹۱۹، غره رمضان ۱۳۲۶، ص ۱۸)

انعکاس نقش نظامی زنان در روزنامه انجمن

زنان آزاده تهریزی در درگیری‌های مسلحانه دوران مشروطه نقش مهمی در میدان‌های رزم برعهده داشتند. در این زمینه، «روزنامه انجمن» در شماره ۴۱ خود و در ذیل «انقلاب و نسوان تبریز» می‌نویسد: «شیر زنان تبریز را در این دوره انقلاب موقع مخصوص است که تاکنون در اوراق ملی موضوع بحث نگردیده، این نکته حیرت‌افزا که معیار حیثیت و میزان شجاعت و بسالت جنس آذربایجانی می‌توان شد بالخاصه جالب‌نظر دقت خبرنگاران جراید اروپا بوده و بارها غیرت و دلیری نسوان آذربایجان زمینه مقالاتشان را تشکیل و ستون روزنامجات معتبر را اشغال نموده است» (انجمن، س ۳، ش ۴۱، صفر ۱۳۲۷، ص ۳) به گزارش روزنامه انجمن در محاربات گذشته اجساد شیرزنان مسلح در میدان‌های جنگ امیرخیز و خیابان در میان شهدای حریت پیدا شده است. بموجب استخبارات صحیحه و اطلاعات موثقه... هستند زنان شیرافکنی در يك نقطه مهم شهر که به گاه

جنگ با تغییر قیافه با مهارت‌های مخصوصی که در کار تیراندازی دارند، سینه دشمن را می‌شکافند و آتش به فرق نامردانه سپاه یزید می‌بارند. (انجمن، س ۳، ش ۴۱، صفر ۱۳۲۷، ص ۳) در ژوئن ۱۹۰۸ که مجلس به توپ بسته شد و مرکز مشروطه خواهی به تبریز انتقال یافت، گروه‌های از زنان این شهر به نهضت مقاومت پیوستند و برای اعاده مشروطیت مبارزه کردند. در جریان محاصره ده ماهه تبریز توسط قشون سلطنتی، گروه‌هایی از زنان با شجاعت و دلیری تمام با لباس مبدل برای دفاع از شهر به مردان ملحق شدند. زنان دهقان در روستاهای کوچک آذربایجان نوزادان را به کول خود بستند و تفنگ به دست گرفتند و دوشادوش مردان جنگیدند. (آفاری، ۱۳۷۹، ص ۲۵۶) به نوشته یکی از ناظرین خارجی «عکس يك دسته شصت نفری از زنان چادر بسر ایرانی، تفنگ بدست اکنون در اختیار ما است. اینان محافظ یکی از سنگرهای تبریز بودند». جریده «حبل‌المتین» می‌نویسد: در یکی از زد و خوردهای بین اردوی انقلابی معروف ستارخان با لشکریان شاه، بین کشته شدگان انقلابیون جنازه بیست زن مشروطه طلب در لباس مردانه پیدا شده است. (حبل‌المتین، س ۱۶، ش ۲۳، بیست و شش ذی‌قعدة ۱۳۲۶، ص ۴؛ پاولویچ و دیگران، ۱۳۵۷، ص ۵۵) طاهرزاده بهزاد که خود از مجاهدان دوره مشروطه بوده به مجاهدی اشاره می‌کند که گلوله خورده و برای مداوا حاضر نمی‌شد که جامه‌اش را از تن در بیاورند. «مجروح اصرار می‌کرد که لباس او را نکنند و بگذارند جان بدهد. تعجب کردند، بالاخره ستارخان نصیحت کرد که موافقت بکند تا زخم او را ببندند. مجروح از روی ناچاری گفت، من دخترم^۱ و میل ندارم لباس از تن بکنم. ستارخان منقلب و چشمانش پر از اشک شد». (طاهرزاده بهزاد، ۱۳۶۳، ص ۳۲۷)

در این دوره زنان تبریز بعنوان الگویی برای زنان مبارزه سایر شهرهای ایران بشمار می‌آمدند و «به قولی، زنان تبریز به زندهای شیراز نامه نوشته و آنها را بر ضد اعیان و اشراف تحریک کردند. (رفیعی، ۱۳۶۲، ص ۱۱۷) شاید این مسائل از جمله دلایلی بوده که مورگان شوستر از سهم زنان ایرانی در انقلاب مشروطه با تحسین یاد کرده و می‌گوید: «زنان ایرانی از آن زمان یکباره با جهشی

^۱ - نام این دختر را عده‌ای زری و تعداد دیگری از پیرمردها و پیرزنان تल्ली گفته‌اند. (ناهدی آذر، ۱۳۸۹، ص ۲۲۱) این موضوع را شاعر گرانقدر، سهراب طاهر، به شکل زیبایی به نظم کشیده است. (عافیت، ۱۳۷۴، صص ۱۲-۹) سخن آخر این که زنان و دختران شهری و روستائی آذربایجانی در مبارزه علیه حکومت استبدادی وقت، به جای آنکه اشک بریزند، اسلحه به دست گرفتند و در ارتش مقاومت تبریز قهرمانانه مبارزه کردند. (ناهدی آذر، ۱۳۸۹، ص ۲۲۴) به نظر می‌رسد که جان‌فشانی‌های زنان در راه استقرار مشروطه و مبارزه با استبداد طلبان، در تبریز و رشت بیش از مناطق دیگر بود. آنان برای شرکت در مبارزه مسلحانه در اکثر مواقع به لباس مردانه درآمدند و تنها در صورتی که کشته یا زخمی شدند هویتشان آشکار شد. (عاملی رضایی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۰)

پیشروترین، اگر نگوئیم انقلابی‌ترین زنان جهان شده بودند. اگر این گفته، خیالی صدها ساله را آشفته کند چه باک، چون عین حقیقت است.» (شوستر، ۱۳۸۵، ص ۱۵۷)

با توجه به مطالب پیش گفته، باید اذعان نمود که زنان در نبردهای مسلحانه دوران مشروطه نقش درخور توجه داشته اند که بررسی این مسئله می‌تواند موضوع یک پژوهش جدی باشد. علاوه بر نبردهای مسلحانه، نقش زنان تبریز در امور سیاسی دوران مشروطه تبریز بسیار قابل تأمل است، برای نمونه هنگام محاصره تبریز توسط قوای استبداد به سرکردگی عین‌الدوله، زنان این شهر مکتوبی نوشتند و آنرا توسط انجمن ایالتی به عین‌الدوله فرستادند که به علت ارزش تاریخی این مکتوب، تلخیصی از آن، در اینجا نقل می‌گردد: «حضرت والا شاهزاده عین‌الدوله ما طایفه نسوان تبریز از خواب بیدار شده و زنجیر استبداد را یک باره پاره کرده‌ایم، تنها شما را خواب غفلت گرفته و خدا و پیغمبر را فراموش کرده به محمدعلی میرزا فریب خورده‌اید، جای تعجب است که شما قبلاً تلاش می‌کردید که محمدعلی میرزا ولیعهد نشود ولی امروز به امر وی به تبریز لشکر کشیده و خون مسلمانان را جاری نموده‌اید. راه آذوقه و آب را به روی ملت بسته، نام خویش را تالی نام‌های شمر و عمر ابن سعد می‌کنی، آفرین به عقل و درایتت ای حضرت والا که در این آخر عمر فریفته مواعید آن بدتر از یزید [محمدعلی شاه] بوده مصیبتی را که به سر حضرت حسین (ع) آوردند، می‌خواهی به سر مسلمانان و شیعیان درآوری، عجب تر این است که خیال می‌کنی با این مظالم ملت از مشروطه دست بر می‌دارند و با بستن راه آذوقه تسلیم بی‌ناموسان می‌گردند. هیات؛ ای حضرت والا که خطا رفته و غلط تصور فرموده‌اید. ما تا چند ماه آذوقه داریم بعد از آن برگ درختان و گیاه می‌خوریم. با میوه سد جوع می‌نماییم، حتی گوشت گربه و سایر حیوانات می‌خوریم، بالاخره در خون خود می‌غلطیم و تابع هوای نفس محمدعلی میرزا نمی‌شویم. ولی شما بدنام می‌گردید، شما با این عمل خود، خودتان را که رتبه صدارت داشتید هم ترازوی صمدخان دله و رحیم‌خان دزد کردید...» (امضا عموم نسوان تبریز). (انجمن، نمره ۴۱، پیشین، صص ۳-۴)

با توجه به متن مذکور که از روزنامه انجمن تبریز نقل گردید، به نظر می‌رسد علاوه بر اعلام آمادگی زنان تبریز جهت حضور در میدان رزم و مبارزه مسلحانه با استبداد تا آخرین نفس، «جنبه دیگر فعالیت تبلیغاتی زنان تبریز، ایجاد تردید و تزلزل در بین حامیان محمدعلی شاه و به انفعال کشاندن» آنان بوده است. (خسروپناه، ۱۳۸۱، ص ۶۶) زنان مشروطه خواه از عین‌الدوله می‌پرسیدند او که زمانی با ولیعهدی محمدعلی میرزا مخالفت می‌کرده است، چرا اکنون فریفته مواعید آن بدتر از یزید شده است؟ آنان به عین‌الدوله نصیحت می‌کردند که به واسطه همراهی با محمدعلی

رضا زاده و همکاران: بررسی فعالیت های زنان تبریز و برخی از مناطق ایران... ۱۳۱

شاه، بدنام گردیده و با این کارتان ، خودتان را که رتبه صدارت داشتید، هم ترازوی صمدخان دله و رحیم خان دزد کردید و اعلام می نمایند که تا آخرین قطره خون خود در مقابل استبداد محمدعلی شاهی خواهند ایستاد.

نتیجه:

با توجه به مطالب پیش گفته شده، می توان نتیجه گرفت که نهضت مشروطه، باعث ایجاد تغییرات اساسی در زمینه های سیاسی، اجتماعی زنان ایران گردید. از همان مراحل نخست مشروطه، گروه هایی از زنان تبریز و برخی دیگر از شهرهای ایران نیز در فعالیت های مختلف این نهضت حضور چشمگیری داشتند. با آن که زنان محبوب ایرانی تجربه سیاسی و اجتماعی چندانی نداشتند، لکن بخوبی دریافته بودند که برای مبارزه با ستم اجتماعی مضاعف و دست یابی به يك زندگی آزاد و شرافتمندانه، نخست باید همراه و همگام مردان خود با حکومت استبدادی محمدعلی شاه قاجار به مبارزه برخیزند. این که قشر زن در طول تاریخ ایران مظلوم واقع شده و در هیاهوی «تاریخ مذکر» این سرزمین به حاشیه رانده شده، خود دلایل متعددی می تواند داشته باشد که شرح آن بیرون از حوصله این گفتار است، اما مسئله مهم و قابل تأمل در این میان برداشته شدن برخی موانع و همچنین حضور پررنگ زنان در صحنه های سیاسی- اجتماعی دوره مشروطه است که فصل جدیدی را در مورد حضور زنان در مسائل مختلف ایران گشوده است، به همین جهت است که می بینیم به هنگام یازده ماه محاصره تبریز، زنان این شهر اغلب کارهای پشت جبهه را برعهده داشتند. آنان برای مجاهدان غذا می پختند، لباس می دوختند و پوکه های خالی فشنگ را پر می کردند، از سنگری به سنگر دیگر خبر و غذا می رساندند و پرستاری و مداوای زخمیان را بر عهده داشتند. علاوه بر این کارها، گروهی از زنان نیز در سنگرها می جنگیدند و از کشتن و کشته شدن هراسی به دل راه نمی دادند.

همچنین زنان ایرانی در برخی فعالیت های اجتماعی و اقتصادی این دوره حضور یافتند و صدای نیمه پنهان جامعه را به گوش حاکمان وقت رساندند و در تحولات ایران آن دوره تأثیرگذار شدند و این چنین بود که شاهد روند تغییر جایگاه زن ایرانی و حضور پررنگ آن در فعالیت های مختلف، در دوره های بعد از مشروطه هستیم. در این میان نقش روزنامه انجمن تبریز نیز در بازتاب دادن این فعالیت ها به نوبه خود بسیار قابل توجه است. روزنامه انجمن در این دوره، هر چند در برخی شماره ها و صفحات محدود، اما بازگو کننده نقش زنان در وقایع گوناگون گردید و در حد امکانات و شرایط جنگی سخت آنروزگار تا حدودی توانست صدای زنان قهرمان ولی گمنام این خطه را برای همیشه در تاریخ ایران ماندگار سازد. می توان ادعان نمود که این شیوه روزنامه انجمن با توجه به سنت تاریخ نویسی که در آن دوره حکمفرما بوده، قدم بسیار مهم و تأثیرگذار بشمار می آید.

منابع و مأخذ:

۱. آربن پور، یحیی، (۱۳۷۵)، از صبا تا نیما، جلد دوم، تهران، انتشارات زوار.
۲. آفاری، ژانت، (۱۳۷۹)، انقلاب مشروطه ایران، ترجمه رضایایی، تهران، بیستون.
۳. انجمن [روزنامه ملی]، س ۱، ش ۵، ۱۸ رمضان ۱۳۲۴.
۴. انجمن [جریده ملی]، س ۱، ش ۱۱، ۹ شوال ۱۳۲۴.
۵. _____، س ۱، ش ۱۳، ۱۵ شوال ۱۳۲۴.
۶. انجمن، س ۱، ش ۳۸، ۱۸ ذیحجه ۱۳۲۴.
۷. _____، س ۱، ش ۴۱، ۲۵ ذیحجه ۱۳۲۴.
۸. _____، س ۱، ش ۵۹، سه شنبه ۱۱ صفر ۱۳۲۵.
۹. _____، س ۱، ش ۷۴، یکشنبه ۲۱ ربیع الاول ۱۳۲۵.
۱۰. _____، س ۱، ش ۸۷، یکشنبه ۱۳ ربیع الثاني، ۱۳۲۵.
۱۱. _____، س ۱، ش ۱۱۰، سوم جمادی الثاني ۱۳۲۵. ۱۳۲۵.
۱۲. _____، س ۱، ش ۱۱۱، یازدهم جمادی الثاني ۱۳۲۵.
۱۳. _____، س ۳، ش ۱، ۲۸ رجب ۱۳۲۶.
۱۴. _____، س ۳، ش ۲، اول شعبان ۱۳۲۶.
۱۵. _____، س ۳، ش ۴۱، صفر ۱۳۲۷.
۱۶. _____، س ۳، ش ۴۲، صفر ۱۳۲۷.
۱۷. باغدار دلگشا، علی، (۱۴۰۰)، زن در ایران نو، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۱۸. برادران شکوهی، سیروس، (۱۳۷۲)، « نشانه هایی از بیداری و نقش زن در نهضت مشروطیت از خلال روزنامه انجمن»، زبان و ادب فارسی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ش ۱۴۸ و ۱۴۹، صص ۱۰-۱۹.
۱۹. براون، ادوارد، (۱۳۸۶)، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، تهران، نشر علم.
۲۰. پاولویچ، م و دیگران، (۱۳۵۷)، سه مقاله درباره انقلاب مشروطه ایران، ترجمه م. هوشیار، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی.
۲۱. پروین، ناصرالدین، (۱۳۷۹)، تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان، جلد دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

۲۲. تقی‌زاده، شوکت - شاهین، تقی، (۱۳۹۴)، تاریخ نود ساله آذربایجان (از عباس میرزا تا شیخ محمد خیابانی)، ترجمه به پرویز زارع شاهمرسی، تبریز، اختر.
۲۳. حبل المتین (روزنامه)، س ۱۶، ش ۲۳، بیست و شش ذی‌قعدة ۱۳۲۶.
۲۴. حجازی، بنفشه، (۱۳۹۲)، تاریخ خانمها (بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر قاجار)، تهران، قصیده سرا.
۲۵. حکمت (نشریه)، س ۱۵، ش ۸۸۲، ۱۵ صفر ۱۳۲۵.
۲۶. حکمت (نشریه)، س ۱۷، ش ۹۱۹، غره رمضان ۱۳۲۶.
۲۷. خسرویناه، محمدحسین، (۱۳۸۱)، هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی، تهران، نشر پیام امروز.
۲۸. دلریش، بشری، (۱۳۷۵)، زن در دوره قاجار، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۹. رفیعی، منصوره، (۱۳۶۲)، انجمن (ارگان انجمن ایالتی آذربایجان)، تهران، نشر تاریخ ایران.
۳۰. شوستر، ویلیام مورگان، (۱۳۸۵)، اختناق در ایران، ترجمه حسن افشار، تهران، نشر ماهی.
۳۱. طاهرزاده بهزاد، کریم، (۱۳۶۳)، قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران، تهران، اقبال.
۳۲. عافیت، محمدرضا، (۱۳۷۴)، پژواک سیمای ستارخان در ادبیات آذربایجان، ترجمه اسدبهرنگی، تبریز، انتشارات بهرنگی.
۳۳. عاملی رضایی، مریم، (۱۳۸۹)، سفرنامه به گل (سیر تحول جایگاه زن در نثر دوره قاجار)، تهران، نشر تاریخ ایران.
۳۴. عزیز، محمد، (۱۳۸۵)، انجمن ایالتی آذربایجان در دوره مشروطیت، تبریز، اختر.
۳۵. کسروی، احمد، (۱۳۸۱)، تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر.
۳۶. کلانتری باغمیشه‌یی، ابراهیم، (۱۳۷۷)، روزنامه‌ی خاطرات شرف الدوله، به کوشش یحیی ذکا، تهران، انتشارات فکر روز.
۳۷. نامور، رحیم، (۱۳۵۷)، برخی ملاحظات پیرامون تاریخ انقلاب مشروطیت، تهران، انتشارات چاپار.
۳۸. ناهید، عبدالحسین، (۱۳۶۰)، زنان ایران در جنبش مشروطه، تبریز، نشر احیا.
۳۹. ناهیدی آذر، عبدالحسین، (۱۳۹۳)، ستاره ناهید آذربایجان، (مجموعه‌ای از مقالات

مرحوم عبدالحسین ناهیدی آذر)، تبریز، اختر.

۴۰. _____، (۱۳۸۹)، تجار و دهقانان ایران در عصر مشروطه خواهی، تبریز، اختر.

۴۱. نظام السلطنه مافی، حسین قلی خان، (۱۳۶۱)، خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام

السلطنه مافی، به کوشش معصومه نظام مافی، منصوره اتحادیه و دیگران، باب دوم و سوم، تهران،

نشر تاریخ ایران.

۴۲. یزدانی، سهراب، (۱۳۸۸)، مجاهدان مشروطه، تهران، نشر نی.

۴۳. _____، (۱۳۹۲)، اجتماعيون عاميون، تهران، نشر نی.